

## بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)

اصغراقا مهدوی \*

حمیدرضا اسمعیلی گیوی \*\*

مجتبی کاوند \*\*\*

### چکیده

شرکت و نهاد تکافل با همان اهداف شرکت بیمه یعنی به منظور پوشش خسارات و خطرهای احتمالی در آینده طراحی شده است که علاوه بر رسیدن به چنین هدفی، تکافل‌شوندگان را در سود حاصل از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سودآور شریک می‌نماید. تکافل خانواده مبتنی بر مضاربه و تکافل عمومی مبتنی بر مضاربه، الگوهایی از تکافل هستند که در این مقاله توضیح داده شده‌اند. گرچه این الگوها بر اساس عقود معین مضاربه، هبه، قرض و وکالت طراحی شده‌اند؛ ولی با توجه به اهداف خاصی که این شرکت‌ها دنبال می‌کنند، عقود مرکبی هستند که با مقاصد هیچ از این عقود به تنهایی مطابقت ندارد. در این تحقیق تحلیل فقهی ارائه شده نسبت به این دو الگو که با استفاده از روش تحقیق تحلیل محتوا انجام شده است، صحت این الگوها را تأیید می‌نماید. به نظر می‌رسد تکافل علاوه بر اینکه اهداف شرکت‌های بیمه را تأمین می‌کند با توجه به بهره‌مندی تکافل‌شوندگان در مازاد حاصله، با مبانی اسلام و عدالت سازگارتر باشد.

واژگان کلیدی: بیمه، تکافل، قرض، هبه، وکالت، مضاربه

### ۱. مقدمه

امروزه بیمه یکی از مهمترین بخش‌های اقتصاد محسوب می‌شود و نقش آن به عنوان پایگاه تامین مالی در بازارهای مالی و غیرمالی غیر قابل انکار است. بیمه مسأله جدید و مهمی است که مجادلات و مناقشات بسیاری را به وجود آورد. از اواخر قرن بیستم که تلاش‌هایی برای اسلامی شدن اقتصاد در جهان اسلام آغاز شد، ابتدا بانکداری

A.mahdavy@isu.ac.ir

esmaely@gmail.com

Mojtaba.isu@gmail.com

\*. استادیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

\*\* کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

\*\*\* کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

اسلامی مطرح شد و حذف بهره از عملیات بانکی به عنوان گامی به سوی اسلامی شدن اقتصاد به حساب آمد؛ سپس اسلامی شدن بیمه مورد بررسی قرار گرفت. مخالفت‌ها با بیمه در دهه‌های هفتاد و هشتاد مباحثی را به منظور یافتن راه حل قابل قبول برای مدیریت ریسک مالی مطرح کرد. فقهای مسلمان از زمان معرفی این صنعت به جامعه مسلمین، در این زمینه دست به قلم شدند و برای طرح‌ریزی جایگزینی برای بیمه کنونی، تلاش زیادی کردند. آن‌ها این مسأله را در کنفرانس‌های مختلفی به بحث گذاشته و الگوهای تکافل را پیشنهاد دادند که این راه حل بر اساس هبه، مضاربه و وکالت بوده و زمینه فعالیت بیمه اسلامی را فراهم می‌نماید. در حالی که انتقاد از توانمندی‌های صنعت تکافل امری نسبتاً عادی بوده است، بسیاری از کسانی که معتقد به وجود تقاضا برای محصولات و خدمات اسلامی هستند، توانسته‌اند با اختصاص سرمایه‌های خود برای سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و نوآوری‌های تکافل، درستی ادعای خود را ثابت کنند. همچنین سرعت رشد صنعت تکافل دلیل محکمی برای آغاز همکاری منتقدان تکافل در توسعه صنعت تکافل شده است (جعفر، ۲۰۰۷، ص ۳).

نخستین شرکت بیمه اسلامی در سال ۱۹۷۸ در خارطوم (سودان) به نام «شرکت بیمه اسلامی با مسئولیت محدود» و به عنوان یکی از شرکت‌های وابسته به بانک اسلامی فیصل سودان تاسیس شد (عتیق الظفرخان، ۲۰۰۵، ص ۲). در این مسیر بسیاری از شرکت‌های بیمه اسلامی (تکافل) در دهه‌های هشتاد و نود در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی (در بیش از ۲۲ کشور جهان) تاسیس شدند و با موفقیت به کسب و کار خود ادامه دادند. (عبدالوهاب، لوئیس و حسن، ۲۰۰۷، ص ۱).

اگر چه در بین فقهای امامیه مخالفت کمتری با بیمه رایج شده و برخی ظاهر ادله را دال بر مستقل بودن و مشروعیت آن می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۰۹) اما هنوز از طرف ایشان، شرعی بودن تکافل، مورد بررسی قرار نگرفته است. صنعت تکافل یا بیمه اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که این صنعت را از صنعت بیمه رایج متمایز می‌کند. برای مثال عملیات‌های تکافل در مقایسه با عملیات‌های بیمه رایج از شفافیت مالی برخوردار بوده و همچنین بر خلاف بیمه رایج در تکافل تکافل‌شوندگان در مازاد پذیره‌نویسی و سود سرمایه‌گذاری نیز سهیم هستند. بنابراین مطالعه‌ی الگوهای تکافل و بررسی شرعی بودن فعالیت‌های آن به منظور بکارگیری الگوهای تکافل برای تحت پوشش قرار دادن شرکت‌ها و افراد جامعه به عنوان جایگزین بیمه رایج با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن می‌تواند به شکوفاتر شدن اقتصاد منجر شود. این تحقیق به دنبال آن است تا با استفاده از روش تحقیق مطالعه‌ی چند موردی (برای بررسی اسناد و مدارک به منظور شناخت الگوهای مورد استفاده شرکت‌های تکافل دنیا) و تحلیل محتوا (برای تحلیل فقهی الگوهای شناخته شده)، ضمن تشریح الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه، تشریح سازوکارهای عملیاتی و تفاوت‌های آن با بیمه رایج به این سوال پاسخ دهد که آیا برای پوشش مخاطرات احتمالی، این ساز و کار از دیدگاه فقه امامیه شرعی است؟. در این تحقیق برای پاسخ به این سوال، بعد از بررسی صنعت تکافل و مقایسه‌ی تکافل با بیمه رایج به تشریح الگوهای عملیاتی تکافل مبتنی بر مضاربه پرداخته شده و در نهایت انطباق سازوکار این الگوها با فقه امامیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت در نتیجه‌گیری بیان می‌شود که الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه علاوه بر اینکه اهداف شرکت‌های بیمه را تأمین می‌کند، با توجه به بهره‌مندی تکافل‌شوندگان در مازاد حاصله، با مبانی اسلام و عدالت سازگارتر بوده و منطبق با فقه امامیه است.

## ۲- پیشینه تحقیق:

در زمینه بررسی و تبیین سازوکارهای تکافل مبتنی بر مضاربه، در بعضی از منابع مرتبط با تکافل اعم از کتاب و مقاله و پایان‌نامه توضیح داده شده و این الگوها تشریح شده‌اند؛ مهمترین این منابع عبارتند از:

۱. محمدی مهر (۱۳۸۵) در پایان‌نامه با عنوان "بررسی تطبیقی نظام بیمه و تامین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام" به تبیین ماهیت و اهمیت تعاون و تکافل در جامعه پرداخته و سازوکارهای برخی از الگوهای شرکت‌های تکافل را به صورت کلی آورده است (محمدی مهر، ۱۳۸۵).

۲. عسگری و اسمعیلی گیوی (۱۳۸۷) در مقاله با عنوان "صنعت تکافل، ویژگی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو" به تشریح سازوکارها و وضعیت فعلی شرکت‌های تکافل خانواده در جهان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که صنعت بیمه اسلامی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردش، به عنوان صنعتی پر سود به سرعت در حال رشد و فراگیر شدن است (عسگری و اسمعیلی گیوی، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۵۵).

۳. عسگری و اسمعیلی گیوی (۱۳۸۸) در مقاله با عنوان "تحلیل نظری مقایسه‌ای ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافلی اسلام و بیمه‌های متعارف" در شماره ۳۲ فصلنامه اقتصاد اسلامی به مقایسه تکافل خانواده و بیمه عمر رایج از نظر منافع و محصولات ارائه شده آن‌ها پرداخته‌اند (عسگری و اسمعیلی گیوی، ۱۳۸۸).

۴. در انگلیس سهیل جعفر (۲۰۰۷) در فصل هشت کتاب با عنوان "بیمه اسلامی: روندها، فرصت‌ها و آینده تکافل" به طور ناقص درباره‌ی برخی از الگوهای رایج تکافل بحث کرده است (جعفر، ۲۰۰۷).

۵. در پاکستان وحید اختر (۲۰۰۹) در پایان‌نامه‌ی مقطع دکتری با عنوان "فرصت‌های بالقوه تکافل در پاکستان: الگوی تحول‌آفرین و عملیاتی" با بررسی وضعیت بازار تکافل در دنیا و مقایسه‌ی آن با بیمه رایج به پیش‌بینی میزان موفقیت این صنعت در پاکستان پرداخته است و در بخشی از پایان‌نامه خود که به مقایسه تکافل و بیمه رایج پرداخته است، توضیحاتی در مورد الگوهای رایج مورد استفاده شرکت‌های تکافل داده است (اختر، ۲۰۰۹).

۶. مقاله‌ای نیز توسط لوئیس و همکاران او در سال ۲۰۰۷ در نشریه ساندربرید با عنوان "بیمه‌ی اسلامی، الگوهای کسب و کار، ایرادات شرعی و راهکارهای پیشنهادی" به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی سازوکار الگوهای عملیاتی تکافل از نظر فقه اهل سنت پرداخته است (لوئیس، وهاب و حسن، ۲۰۰۷، ص ۳۹-۵۸).

همانطور که مشخص است در تحقیقات گذشته سازوکار الگوهای مورد استفاده شرکت‌ها بررسی شده است و هیچ کدام از آن‌ها به طور کامل عقود مورد استفاده در این الگوها و چگونگی ترکیب آن‌ها را مورد بررسی دقیق -به خصوص به لحاظ انطباق با فقه امامیه- قرار نداده است. این تحقیق عقود مورد استفاده و چگونگی ترکیب آن‌ها را در الگوهای مبتنی بر مضاربه‌ی تکافل بررسی و پس از تبیین آن‌ها، به صورت اجتهادی به بررسی منطبق بودن این ترکیب و سازوکارهای مورد استفاده با فقه امامیه پرداخته است.

## ۳. مفهوم تکافل و صنعت تکافل<sup>۱</sup>

واژه تکافل از قرآن و سنت (از واژه عربی «کفالت») گرفته شده است و به معنای ضمانت مشترک می‌باشد که هدف آن نیز مشارکت و یاری دو جانبه میان اعضای گروه مشخصی می‌باشد. در عمل تکافل به عنوان روشی مبتنی

بر ضمانت مشترک اعضای یک گروه در برابر ضرر و زیان‌های احتمالی وارد بر هر یک آن‌ها مطرح می‌گردد. اعضای گروه مذکور در صورتی که برای فردی مشکل و حادثه‌ای ایجاد شود، بر ضمانت و وثیقه مشترک اتفاق نظر داشته و مجموع منابع جمع شده را برای جبران خسارت به فرد ضرر دیده می‌پردازند. تمامی اعضای گروه تلاششان را به کار می‌گیرند تا فرد نیازمند را حمایت نمایند. در بعضی منابع این واژه را ضمانت طرفینی یا مسئولیت مشترک نیز بیان کرده‌اند (صلاح‌الدین، ۲۰۰۶، ص ۵۱۲).

عمل شرکت‌های تکافل به دو دسته تقسیم می‌شود؛ تکافل عمومی و تکافل خانواده. تکافل خانواده یعنی ایجاد مصونیت و امنیت برای فرد، مجموعه‌ای از افراد، و یا خانواده‌های آن‌ها، و این نوع پوشش در ارتباط با زندگی‌شان می‌باشد. این نوع از تکافل یک سازوکار مالی مبتنی بر اصول تعاون می‌باشد که هدف آن ایجاد مسئولیت به منظور حمایت از بیوه‌ها، یتیمان و دیگر وابستگان شخص تکافل‌شونده است (خانزاده، ۲۰۰۶). به خدمات بیمه اسلامی غیر از این تکافل عمومی گفته می‌شود.

اصطلاح "صنعت تکافل" شامل کلیه متصدیان کسب و کار ارائه خدمات و محصولات تکافل می‌باشد. این صنعت شرکت‌های بیمه مستقیم<sup>۲</sup> که برای ارائه طیف گسترده‌ای از محصولات تکافل پذیرهنویسی می‌کنند، شرکت‌های بیمه رایج<sup>۳</sup> که تعداد محدودی از محصولات تکافل را ارائه می‌کنند و شرکت‌های بیمه اتکائی و تکافل اتکائی را در بر می‌گیرد. بانک‌ها نیز با پرداختن به کسب و کار تکافل و توزیع محصولات تکافل در حال تبدیل شدن به بازیگران فعال در عرصه این صنعت می‌باشند. همچنین دلان<sup>۴</sup> بیمه اتکائی، اتحادیه‌های بیمه و مدیران صندوق‌ها از فعالان صنعت تکافل هستند (جعفر، ۲۰۰۷، صص ۳-۴).

این صنعت در اوایل دهه ۱۹۹۰ فقط از تعدادی شرکت تشکیل شده بود. از اواسط دهه ۲۰۰۰، تعداد شرکت‌های تکافل افزایش یافت و کسب و کار بیمه اسلامی بشدت رونق گرفت؛ که این رشد هم از نظر تخصصی و هم از نظر رقابت تا حدی به برکت تداوم رشد سرمایه‌گذاری‌های اسلامی مرتبط با بیمه بوده است (اسمعیلی‌گیوی و عسگری، ۱۳۸۷، صص ۳۵-۵۵).

#### ۴. ویژگی‌های تکافل در مقایسه با بیمه رایج

در این بخش بیمه رایج و تکافل در دو محور اهداف و انگیزه‌ها، و سطح محصولات و خدمات به صورت تطبیقی بررسی می‌شود. این بررسی تطبیقی در محور اول با تبیین ماهیت کسب و کار، ماهیت قرارداد، منابع قوانین و مقررات و مبتنی بودن بر اصل تعاون صورت می‌گیرد. در محور دوم نیز بیمه رایج و تکافل در شش شاخص میزان شفافیت در عملکرد، سرمایه‌گذاری وجوه، التزامات و منافع، ارزش بازرخرد، توزیع مازاد و منافع، حق رای و حق شرکت در مجمع عمومی با هم مقایسه می‌شوند.

#### ۴-۱. اهداف و انگیزه‌ها

مهمترین تفاوت‌های میان بیمه رایج و تکافل در این محور را می‌توان به طور خلاصه با توجه به شاخص‌های زیر تبیین نمود (عبیدالله، ۲۰۰۵، صص ۱۲۶-۱۲۵؛ بالله، ۲۰۰۳، صص ۲۱-۱۸) (جدول شماره ۱):

۱. ماهیت کسب و کار: کسب و کار بیمه رایج مبتنی بر انگیزه کسب سود است و به سهامداران و مالکان این شرکت‌ها کمک می‌کند تا بازده خود را به حداکثر برسانند؛ اما تکافل مبتنی بر انگیزه حمایت و تأمین رفاه اجتماعی تکافل‌شونده و خانواده‌ی او است.

| محور مقایسه             | بیمه رایج   | تکافل  |
|-------------------------|---|--|
| ماهیت کسب و کار         | مبتنی بر انگیزه کسب سود است.  | مبتنی بر انگیزه حمایت و تأمین رفاه اجتماعی تکافل‌شونده و خانواده‌ی او است.                           |
| ماهیت قرارداد           | مانند قرارداد بیع است که بیمه‌گر در قبال پوشش ریسک بیمه‌گذار از او پول دریافت می‌کند. | قراردادی است بین تمام تکافل‌شوندگان برای تقسیم مخاطرات خود و مشارکت در حمایت.                        |
| منابع قوانین و مقررات   | در نتیجه تجارب کسب و کار، تفکرات بشری، ادبیات قضایی، پایگاه‌ها و فرهنگ آن کشور است.   | مبتنی بر وحی الهی (قرآن و سنت) و نظرات و فتاوی شرعی علما و کمیته‌های فقهی موجود در این شرکت‌هاست.    |
| مبتنی بودن بر اصل تعاون | منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر با هم یکی نیست و تعاون واقعی وجود ندارد.                    | اعضا هم بیمه‌گذارند و هم بیمه‌گر؛ در کلیه خسارت‌ها شریک می‌شوند و در انتقال مخاطره نیز مشارکت دارند. |

#### جدول شماره (۱) - بیمه رایج در مقایسه با تکافل

۲. ماهیت قرارداد: در بیمه رایج، مشتریان همان خریداران بیمه‌نامه‌ها هستند که برای پوشش مخاطره‌های احتمالی خود و یا خانواده خود یا غیره به شرکت بیمه حق بیمه پرداخت می‌کنند. در حقیقت این یک قرارداد بیع است که بیمه‌گر در قبال پوشش ریسک بیمه‌گذار از او پول دریافت می‌کند. اما تکافل یک قراردادی است میان تمام تکافل‌شوندگان برای تقسیم مخاطرات خود؛

۳. منابع قوانین و مقررات: قوانین و مقررات بیمه رایج در نتیجه تجارب کسب و کار، تفکرات بشری، ادبیات قضایی، پایگاه‌ها و فرهنگ آن کشور است. مقررات تکافل مبتنی بر اصول اسلامی (قرآن و سنت) و نظرات و فتاوی شرعی علما و کمیته‌های فقهی موجود در این شرکت‌هاست. مراجع قانونی می‌توانند مواردی را از شرکت‌های بیمه رایج بگیرند و با تعدیل و اصلاح آن‌ها برای سیستم تکافل، به کار گیرند.

۴. استوار بودن بر اصل تعاون: در تکافل که بر اصل تعاونی استوار است، اعضا هم بیمه‌گذارند و هم بیمه‌گر؛ در کلیه خسارت‌ها شریک می‌شوند و در انتقال مخاطره نیز مشارکت دارند (میرجلیلی، ۱۳۸۰، ص ۹۲).

#### ۲-۴. سطح خدمات و محصولات

مقایسه بیمه رایج و تکافل به لحاظ کیفیت خدمات و محصولاتی که به مشتریان ارائه می‌کنند در شش شاخص زیر صورت گرفته است (عبیدالله، ۲۰۰۵، صص ۱۲۶-۱۲۵؛ بالله، ۲۰۰۳، صص ۲۱-۱۸):

۱. شفافیت و افشاء: در بیمه رایج، در رابطه با موضوع اصلی قرارداد عدم اطمینان وجود دارد. همچنین شرکت‌های بیمه به هیچ وجه اطلاعات ریز خود را در اختیار عموم بیمه‌شوندگان قرار نمی‌دهند (به همین خاطر از عملیات‌ها

و فعالیت‌های شرکت‌های بیمه با نام جعبه سیاه یاد می‌شود). بنابراین در شرکت‌های بیمه رایج عدم افشاء و شفافیت وجود دارد.

در شرکت‌های تکافل، به این دلیل که همه‌ی اطلاعات در اختیار تکافل‌شوندگان قرار می‌گیرد، قرارداد تکافل شفاف‌تر است. شرکت‌های تکافل اطلاعات را به صورت شفاف در اختیار تکافل‌شوندگان قرار می‌دهد و فعالیت‌ها و عملیات‌هایش کاملاً شفاف‌تر از بیمه رایج است.

۲. **سرمایه‌گذاری وجوه:** در بیمه رایج وجوه مربوط به صندوق‌های بیمه عمر و عمومی در ابزارهای با نرخ بهره ثابت نیز سرمایه‌گذاری می‌شوند (گاهی شرکت‌های بیمه وقتی خود را بیمه اتکایی می‌کنند به ناچار سراغ شرکت‌های بیمه اتکایی‌ای باید بروند که از این ابزارها استفاده می‌کنند. حتی بعضی از این شرکت‌ها در امور و برنامه‌های غیر شرعی از قبیل باشگاه‌های شبانه، قمارخانه‌ها و ... نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند). اما در کسب و کار تکافل، همه‌ی وجوه در ابزارهای شرعی که با مبانی مضاربه و وکالت و اجاره و ... کار می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌شوند.

۳. **التزامات و منافع:** در بیمه رایج، بیمه‌گذاران می‌توانند در صورت بروز خطر ذکر شده در قرارداد کل پولی را که در بیمه‌نامه آمده است، درخواست کنند. اما در صورت عدم رخداد نمی‌تواند ادعا داشته باشد. در تکافل خانواده، تکافل‌شونده به هنگام بروز خطر می‌تواند کل مقدار در تعهد تکافل‌گر (که از صندوق مخاطره پرداخت می‌شود)، کل موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود از سود کسب شده تا آن زمان را از شرکت بگیرد. اما اگر تا زمان سررسید صبر کرد و خطر پوشش داده رخ نداد، فقط می‌تواند موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود را از سود تا آن زمان، درخواست کند.

| محور مقایسه                    | بیمه رایج   | تکافل  |
|--------------------------------|---|--|
| شفافیت و افشاء                 | در شرکت‌های بیمه رایج عدم افشاء و شفافیت وجود دارد (به جعبه سیاه تشبیه شده‌اند).  | شرکت‌های تکافل اطلاعات را به صورت شفاف در اختیار تکافل‌شوندگان قرار می‌دهد و فعالیت‌ها و عملیات‌هایشان کاملاً شفاف‌تر از شرکت‌های بیمه رایج است.   |
| سرمایه‌گذاری وجوه              | گاهی اوقات و بعضی از شرکت‌ها وجوه را در امور و برنامه‌های غیر شرعی به کار می‌گیرند و از ابزارهای با بهره‌ی ثابت استفاده می‌کنند.                      | وجوه در ابزارهای شرعی که با مبانی مضاربه و وکالت و اجاره و ... کار می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌شوند.  |
| التزامات و منافع               | بیمه‌گذاران در صورت بروز خطر کل پولی را که در بیمه‌نامه آمده است، می‌گیرند. اما در صورت عدم رخداد نمی‌توانند ادعا داشته باشند.                        | تکافل‌شونده می‌تواند در صورت بروز خطر کل مقدار در تعهد تکافل‌گر (که از صندوق مخاطره پرداخت می‌شود)، کل موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود از سود کسب شده تا آن زمان را از شرکت بگیرد. اما اگر تا زمان سررسید صبر کرد و خطر پوشش داده شده، رخ نداد، فقط می‌تواند موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود را از سود تا آن زمان درخواست کند. |
| ارزش باخرید                    | اگر بیمه‌گذار بخواهد قبل از سررسید، از بیمه خارج شود، شرکت بیمه به او مقداری پول - که از مجموع پرداختی‌های او به بیمه‌گر کمتر است - پرداخت خواهد کرد. | در تکافل اگر کسی بخواهد خارج شود تمام موجودی حساب شخصی او (حساب مشارکت‌کننده) به علاوه سهمش از کل سود تا آن موقع، به او بازپرداخت می‌شود و متصدی تکافل فقط یک مقدار ناچیز بابت راه‌اندازی شرکت و مدیریت وجوه از او کسر می‌کند.   |
| توزیع مازاد و منافع            | بین منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعارض وجود دارد.  | بین منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعارض وجود ندارد.  |
| حق رای و حق شرکت در مجمع عمومی | اعضا حق رای و حق شرکت در مجمع عمومی برای انتخاب هیات مدیره و نیز ملاحظه حساب‌های سالیانه و ترازنامه را دارند.   | در بیشتر موارد این قبیل تسهیلات برای شرکت‌کنندگان در برنامه‌های بیمه رایج وجود ندارد.  |

#### جدول شماره (۲) - بیمه عمر رایج در مقایسه با تکافل خانواده

۴. ارزش باخرید: در بیمه رایج، اگر بیمه‌گذار بخواهد قبل از سررسید، از بیمه خارج شود، شرکت بیمه به او مقداری پول - که از مجموع پرداختی‌های او به بیمه‌گر کمتر است - پرداخت خواهد کرد. در تکافل اگر کسی بخواهد از پوشش شرکت تکافل خارج شود، تمام موجودی حساب شخصی او (حساب مشارکت‌کننده) علاوه بر سهمش از کل سود تا آن موقع به او بازپرداخت می‌شود و متصدی تکافل فقط یک مقدار ناچیز بابت طراحی و مدیریت وجوه از او کسر می‌کند.

۵. **توزیع مازاد و منافع:** در بیمه رایج بین منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعارض وجود دارد. اما در قرارداد تکافل نه تنها تکافل‌شوندگان در مازاد شریکند بلکه از تمام منافع حاصل از سرمایه‌گذاری نیز به نسبت سهمشان از کل حق تکافل سهم خواهند برد.

۶. **حق رای و حق شرکت در مجمع عمومی:** اعضای که حداقل حق بیمه تعیین شده را می‌پردازند، حق رای و حق شرکت در مجمع عمومی برای انتخاب هیأت مدیره و نیز ملاحظه حساب‌های سالیانه و ترازنامه را دارند؛ در بیشتر موارد این قبیل تسهیلات برای شرکت‌کنندگان در برنامه‌های بیمه‌های رایج وجود ندارد (چودری، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

#### ۵. الگوهای عملیاتی تکافل مبتنی بر مضاربه

تکافل تا حد زیادی شبیه به بیمه‌های تعاونی رایج است. این نوع بیمه‌ها شامل افرادی هستند که ریسک‌های خود را بر مبنای مشارکت میان یکدیگر تقسیم می‌کنند. در سال‌های اخیر بازار تکافل به علت افزایش سطح آگاهی مشتریان از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است و این منجر به شکل‌گیری چند مدل متفاوت بر مبنای عقود اسلامی شده است. هر یک از این مدل‌ها نشان‌دهنده مهارت، محیط و محدوده و حتی مکتب فکری متفاوت طراحان و استفاده‌کنندگان آن است. در عمل دو الگوی وکالت و مضاربه مهمترین الگوهایی هستند که به صورت تجاری به کار گرفته شده‌اند. شکل عملیاتی خود این دو الگو نیز در شرکت‌های مختلف متفاوتند اما مبانی، فرایند و نحوه کلی کار این الگوها یکسان است. در ادامه تکافل خانواده و تکافل عمومی که با الگوی مضاربه کار می‌کنند تشریح خواهد شد:

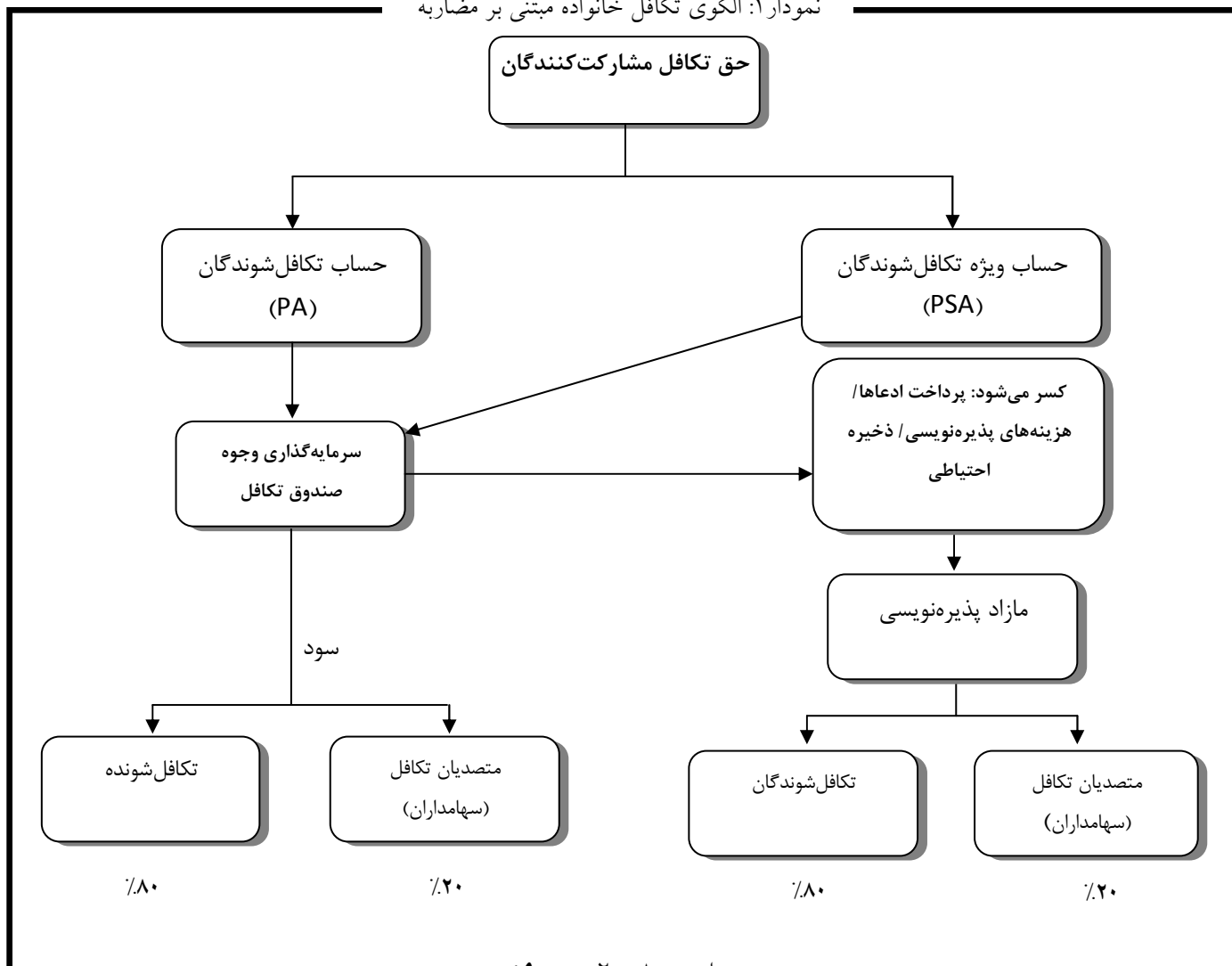


## الف) تکافل خانواده

این الگو مبتنی بر مبانی زیر کار می‌کند: متصدی تکافل (صاحبان سهام شرکت) هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت تجاری را تأمین می‌کند تا سهمی در بخشی از مازاد و سود سرمایه‌گذاری داشته باشد. این کار بر اساس قرارداد مضاربه - که یک قرارداد تجاری اسلامی است - بین متصدی تکافل و تأمین‌کننده سرمایه (مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان) صورت می‌پذیرد. مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان کسانی هستند که به منظور پوشش خود در برابر خطرهای احتمالی در این برنامه مشارکت می‌کنند. به عبارت روشن‌تر در تکافل دو رکن وجود دارد: رکن اول متصدی تکافل است که موظف است عملیات مربوط به اداره شرکت تکافل را انجام دهد. رکن دوم مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان هستند. اینها کسانی هستند که به منظور پوشش خود در مقابل خطرات احتمالی، خود را نزد شرکت تکافل زیر پوشش قرار می‌دهند. این نوع از بیمه با بیمه‌های رایج که فرد یا شرکت خود را با پرداخت یک حق بیمه تا سقف مشخصی بیمه می‌کند، متفاوت است.

در تکافل خانواده، حق تکافل تکافل‌شوندگان به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش عمده این وجوه به حساب مشارکت‌کنندگان (PA)<sup>۵</sup> - که متعلق به آنهاست - منتقل می‌شود و بخش کوچکتر باقی‌مانده نیز به حساب ویژه تکافل‌شوندگان<sup>۶</sup> (PSA) واریز خواهد شد که این وجوه برای پرداخت ادعاها و هزینه‌های پذیره‌نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کل وجوه حساب‌های PA و PSA در ابزارهای مالی شرعی سرمایه‌گذاری می‌شوند. متصدی و تکافل‌شونده در سود حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه حساب PA شریکند و این سود بر اساس نرخ‌های که از قبل بر آن توافق شده است بین آنها تقسیم می‌شود. وجوه و سود حساب PSA برای پرداخت ادعاها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما گاهی ادعاها و هزینه‌های پذیره‌نویسی بیش از میزان وجوهی است که برای حساب PSA تجویز شده بود که در این مواقع کسری به وجود آمده با برداشت از حساب PA یا پرداخت وام قرض‌الحسنه به تکافل‌شونده جبران خواهد شد.

نمودار ۱: الگوی تکافل خانواده مبتنی بر مضاربه



اختر، ۲۰۰۸، ص ۵۹

تکافل شونندگان است. بخش عمده حق تکافل تکافل شونندگان به حساب PA واریز می‌شود و بقیه نیز به حساب PSA منتقل می‌شود (برای مثال ۸۰ درصد حق تکافل به حساب PA و ۲۰ درصد به حساب PSA منتقل می‌شود). وجوه هر دو حساب به طور مشترک در ابزارهای شرعی سرمایه‌گذاری می‌شوند و سود حاصل از این سرمایه‌گذاری به نسبت میزان سرمایه اولیه حساب‌ها میان آن‌ها تقسیم می‌شود. مازاد نیز متعلق به همه سرمایه‌گذاران است که متصدی تکافل هم بر اساس نرخ از قبل توافق شده در آن سهم است. در پایان مدت قرارداد همه وجوه حساب PA به همراه سود آن به طور یکجا به تکافل شونندگان داده خواهد شد.

در ادامه، جدول شماره ۳ نمونه‌ای کاربردی از نحوه جریان وجوه نقد سال اول فعالیت شرکت تکافل را - که بر اساس الگوی مضاربه کار می‌کند - نشان می‌دهد. در این مثال، شرکت در سال اول ۱۰۰ هزار واحد حق تکافل جمع‌آوری می‌کند که بر اساس نرخ ۸۰ و ۲۰ درصد، ۸۰ هزار واحد آن به حساب PA و ۲۰ هزار واحد آن به حساب PSA واریز می‌شود. کل این ۱۰۰ هزار واحد با هم در ابزارهای اسلامی و شرعی سرمایه‌گذاری می‌شوند که سود حاصل نیز بر اساس همین نسبت مشارکت ۸۰ و ۲۰ به دو حساب تعلق خواهد داشت. فرض کنید که

سرمایه‌گذاری شرکت ۱۰ درصد سود داشته است. بنابراین ۸ هزار واحد از این سود به حساب PA و ۲ هزار واحد نیز به حساب PSA می‌رسد. با اضافه شدن این سود به حساب‌ها، میزان وجوه حساب PA به ۸۸ هزار واحد و حساب PSA به ۲۲ هزار واحد خواهد رسید. برای سال اول نرخ ادعا (خسارت) ۱۰ درصد و هزینه‌های پذیره‌نویسی نیز ۵۰۰۰ هزار واحد در نظر گرفته می‌شود؛ مازاد موجود به میزان ۷ هزار واحد بین همه‌ی تکافل‌شوندگان و متصدی تکافل بر اساس نرخ از پیش تعیین شده تقسیم خواهد شد. برای مثال ۸۰ درصد مازاد (۵.۶ هزار واحد) به حساب PA و ۲۰ درصد دیگر (۱.۴ هزار واحد) به حساب PSA واریز خواهد شد. پس از اضافه کردن سهم تکافل‌شونده مبلغ موجود در حساب PA به ۹۳.۶ هزار واحد می‌رسد. حساب PA، حساب افتتاحی سال دوم خواهد بود.

جدول شماره ۳: برنامه تکافل خانواده (سال اول)

| مجموع حق تکافل: ۱۰۰۰۰۰ واحد<br>بازده سرمایه‌گذاری: ۱۰٪ |  |
|--|--|
| سهم حساب تکافل:<br>(/۸۰)                               | سهم حساب ویژه تکافل:<br>۲۰۰۰۰ واحد (۲۰٪) |
| سود (۱۰٪):<br><u>۸۰۰۰ واحد</u>                         | سود (۱۰٪):<br><u>۲۰۰۰ واحد</u>           |
| مجموع وجوه:<br>۸۸۰۰۰ واحد                              | مجموع وجوه:<br>۲۲۰۰۰ واحد                |
| کسر می‌شود:  |  |
| پرداخت ادعاها (۱۰٪):<br>(۱۰۰۰۰ واحد)                   |  |
| هزینه‌های پذیره‌نویسی:<br>(۵۰۰۰ واحد)                  |  |
| مازاد:<br>۷۰۰۰ واحد                                    |  |
| حق تکافل مشارکت‌کنندگان (۸۰٪):<br>۵۶۰۰ واحد            |  |
| انباشت به حساب تکافل: ۹۳۶۰۰ = ۸۸۰۰۰ + ۵۶۰۰             |  |

جدول شماره ۴ نمونه عملیاتی برای جریان وجوه نقد الگوی تکافل مبتنی بر مضاربه را در سال دوم نشان می‌دهد. فرآیند جریان حق تکافل‌ها مثل همان سال اول است تنها تفاوت موجود آن است که آنچه در پایان سال اول باقی مانده (۹۳.۶ هزار واحد) به علاوه‌ی سود آن (که در طول یک سال دوم حاصل شده) به حساب PA منتقل می‌شود بنابراین کل وجوه صندوق PA به میزان ۱۹۶.۵۶ هزار واحد در پایان سال دوم خواهد رسید.

جدول شماره ۵ نمونه‌ای عملیاتی برای جریان وجوه نقد الگوی تکافل مبتنی بر مضاربه را در سال سوم نشان می‌دهد. فرآیند جریان حق تکافل‌ها مثل همان سال اول است. تنها تفاوت موجود آن است که آنچه در پایان سال

دوم باقی مانده (۱۹۶.۵۶ هزار واحد) به علاوه سود آن (که در طول یکسال سوم حاصل شده) به حساب PA منتقل می شود. بنابراین کل وجوه صندوق PA به میزان ۳۰۹.۸۱۶ هزار واحد در پایان سال سوم خواهد رسید.

| جدول شماره ۴: برنامه تکافل خانواده (سال دوم) |  | مجموع حق تکافل: ۱۰۰۰۰۰ واحد<br>بازده سرمایه گذاری: ۱۰٪ |                      |
|--|--|--|----------------------|
| سهام حساب ویژه تکافل: ۲۰۰۰۰ واحد (۲۰٪)       | سود (۱۰٪): ۲۰۰۰ واحد                     | سهام حساب تکافل: ۸۰۰۰۰ واحد (۸۰٪)                      | سود (۱۰٪): ۸۰۰۰ واحد |
| مجموع وجوه: ۲۲۰۰۰ واحد                       | کسر می شود:                              | مجموع وجوه: ۸۸۰۰۰ واحد                                 |                      |
| پرداخت ادعاها (۱۰٪): (۱۰۰۰۰ واحد)            | هزینه های پذیره نویسی: (۵۰۰۰ واحد)       |  |                      |
| مازاد: ۷۰۰۰ واحد                             | حق تکافل مشارکت کنندگان (۸۰٪): ۵۶۰۰ واحد |  |                      |
|  |  | ۵۶۰۰ واحد  |                      |
|  |  | وجوه حساب تکافل در سال دوم: ۹۳۶۰۰ واحد                 |                      |
|  |  | تبادل در حساب تکافل: ۹۳۶۰۰ واحد                        |                      |
|  |  | سود بدست آمده در سال دوم (۱۰٪): ۹۳۶۰ واحد              |                      |
|  |  | انباشت به حساب تکافل: ۱۹۶۵۶۰ واحد                      |                      |

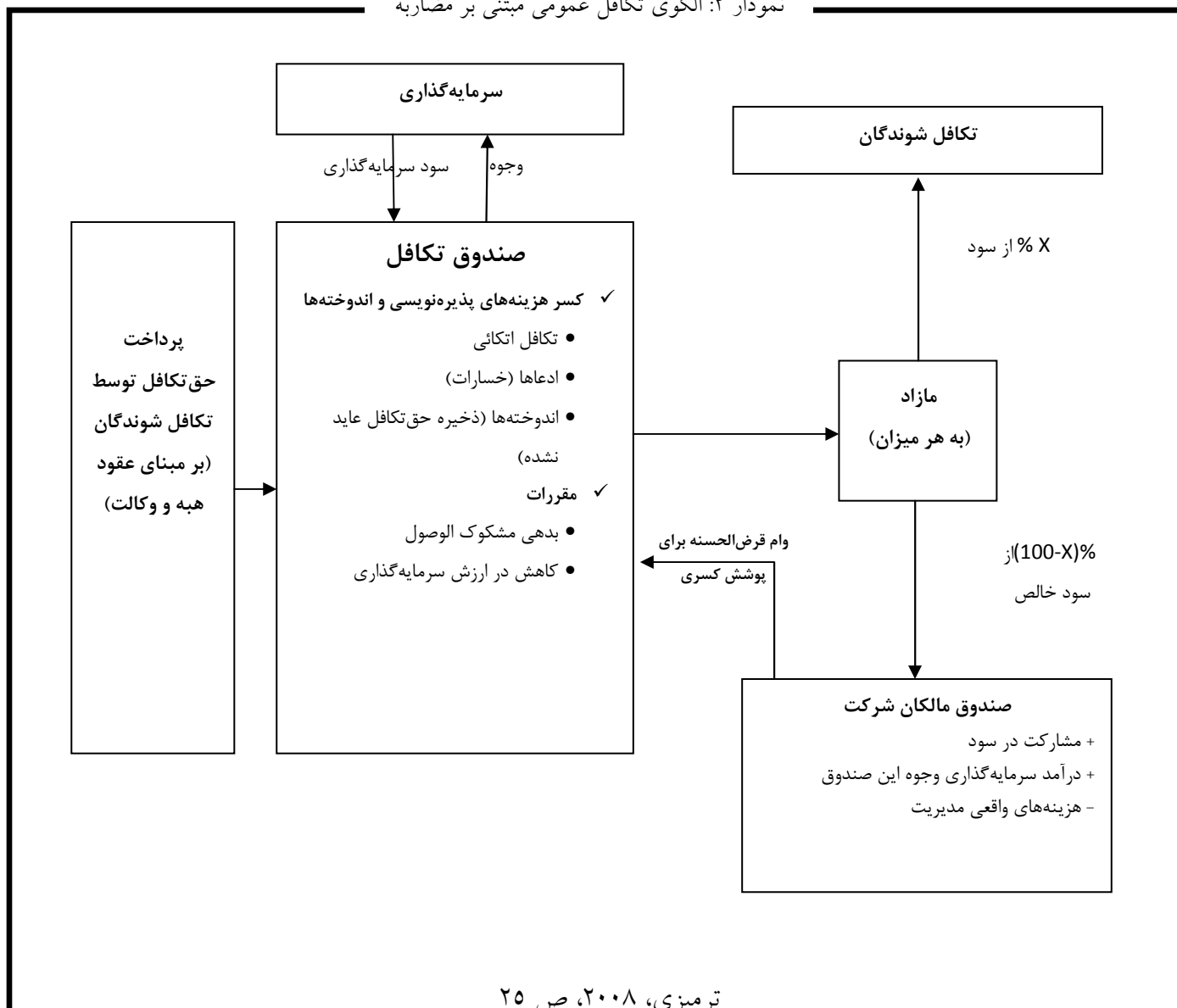
| مجموع حق تکافل: ۱۰۰۰۰۰ واحد            |  | بازده سرمایه گذاری: ۱۰٪                    |                      |
|--|--|--|----------------------|
| سهام حساب ویژه تکافل: ۲۰۰۰۰ واحد (۲۰٪) | سود (۱۰٪): ۲۰۰۰ واحد                     | سهام حساب تکافل: ۸۰۰۰۰ واحد (۸۰٪)          | سود (۱۰٪): ۸۰۰۰ واحد |
| مجموع وجوه: ۲۲۰۰۰ واحد                 | کسر می شود:                              | مجموع وجوه: ۸۸۰۰۰ واحد                     |                      |
| پرداخت ادعاها (۱۰٪): (۱۰۰۰۰ واحد)      | هزینه های پذیره نویسی: (۵۰۰۰ واحد)       |  |                      |
| مازاد: ۷۰۰۰ واحد                       | حق تکافل مشارکت کنندگان (۸۰٪): ۵۶۰۰ واحد |  |                      |
|  |  | ۵۶۰۰ واحد                                  |                      |
|  |  | وجوه حساب تکافل در سال سوم: ۹۳۶۰۰ واحد     |                      |
|  |  | تبادل در حساب تکافل: ۱۹۶۵۶۰ واحد           |                      |
|  |  | سود بدست آمده در سال سوم (۱۰٪): ۱۹۶۵۶ واحد |                      |
|  |  | انباشت به حساب تکافل: ۳۰۹۸۱۶ واحد          |                      |

از نمونه تبیین شده‌ی بالا می‌توان دریافت که مازاد به هر میزان که باشد بعد از محاسبه‌ی تمامی ریسک‌هایی که حساب PA با آن‌ها روبرو است در حساب PA باقی خواهد ماند. بنابراین هر ساله وجوه حساب PA افزایش می‌یابد. چنانچه تا قبل از سررسید دوره، تکافل‌شونده دچار خسارت شود خسارت او از حساب PSA پرداخت خواهد شد؛ این در حالی است که تکافل‌شونده حق استفاده از حساب PA را دارد.

### ب) تکافل عمومی

در این نوع پوشش تکافل نیز متصدی هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت تجاری را تامین می‌کند تا سهمی در بخشی از مازاد و سود سرمایه‌گذاری داشته باشد. این کار بر اساس قرارداد مضاربه که یک قرارداد تجاری اسلامی است بین متصدی تکافل و تأمین‌کننده سرمایه (مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان) انجام می‌شود. در این نوع پوشش نیز مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان کسانی هستند که به منظور پوشش خود در برابر خطرهای احتمالی با متصدی تکافل قرارداد می‌بندند. همانطور که در نمودار ۲ نشان داده شده است در این نوع پوشش تکافلی، تکافل‌شوندگان

نمودار ۲: الگوی تکافل عمومی مبتنی بر مضاربه



بر اساس مقررات بخش دیگری از این وجوه برای جبران مطالبات مشکوک الوصول و قسمتی نیز برای کاهش احتمالی ارزش سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود.

متصدی تکافل می‌تواند به منظور کسب سود بیشتر برای تکافل‌شوندگان و خود، وجوه صندوق تکافل را سرمایه‌گذاری کند که سود حاصل از این سرمایه‌گذاری به همین صندوق واریز خواهد شد.

اگر وجوه صندوق تکافل برای پوشش موارد ذکر شده کافی نباشد، بر اساس شرط ضمن عقد تکافل میان متصدی تکافل و تکافل‌شوندگان، متصدی تکافل موظف است تا به میزان کافی به این صندوق وام قرض‌الحسنه بدهد. چنانچه در پایان دوره در صندوق تکافل چیزی باقی مانده باشد، این مازاد بین تکافل‌شوندگان و متصدی تکافل (بر اساس نرخ از پیش توافق شده) تقسیم خواهد شد.

## ۶. تحلیل فقهی عقد تکافل

قراردادی که تحت عنوان تکافل طراحی شده است مشتمل بر تعدادی از عقود معین و معهود در زمان شارع است که عبارتند از مضاربه، هبه، قرض الحسنه. از مجموعه این عقود هدف اصلی که عبارت از تأمین در مقابل خطرات مالی احتمالی است حاصل می‌شود. بنابراین گرچه در عقد تکافل از سه نوع عقد مذکور استفاده شده است، ولی هدف آن با اهداف هر سه عقد به تنهایی متفاوت است. یعنی این قرارداد، با مضاربه که هدف از آن صرفاً رسیدن به سود سرمایه‌گذاری است و هبه که مقصود از آن بخشش مالی بدون عوض به موهوب له است و قرض که تملیک مال در مقابل بدل آن می‌باشد، تفاوت دارد. گرچه هدف اصلی تکافل با ترکیب این سه عقد حاصل شده است. و بنابر قاعده «العقود تابعه للمقصود» علاوه بر این که عقد بدون قصد باطل است، عقد از حیث نوع کم و کیف و شرایط آن نیز تابع قصد متعاقدين است. (مکارم شیرازی، ج ۲ / ۳۶۷) بر این اساس در این قرارداد قصد اصلی متعاقدين ایجاد تأمین در مقابل خطرات احتمالی است؛ تا ضمن بهره‌مندی از سود سرمایه‌گذاری خود به این هدف نیز نائل آیند.

لذا لازم است در این قرارداد، متعاقدين از شرایط عمومی از جمله بلوغ، عقل، اختیار، رشد و عدم فلس برخوردار باشند. و شرایط خاص قراردادهای مضاربه، هبه و قرض، نیز بر آن حاکم باشد. این شرایط را بررسی نموده و سپس آن‌ها را بر قرارداد مذکور تطبیق می‌دهیم.

### عقد مضاربه:

مضاربه در لغت از ضرب مشتق شده است و به معنای مسافرت عامل در زمین (ضرب فی الارض) برای تحصیل ربح است و کاربرد صیغه «مفاعله» به اعتبار سبب بودن مالک و مباشر بودن عامل در تحصیل ربح است. و قراض نیز که در فرهنگ اهل عراق به معنای مضاربه است؛ به معنای قطع است یعنی سرمایه گذار بخشی از مال خود را جدا نموده آن را برای تجارت در اختیار عامل قرار می‌دهد.

مضاربه در اصطلاح عبارتست از این که انسان مالی را به دیگری به منظور تجارت بپردازد تا این که هر چه خداوند روزی نمود بین آن دو تقسیم شود (القاضی ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱: ۴۶۰)

در تعریف دیگر مضاربه عبارتست از این که انسان مالی را به دیگری بپردازد تا آن که در مقابل حصه ای از ربح آن، در آن سرمایه کار و فعالیت نماید (الفاضل الآبی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۲ و شهید اول، ۱۴۱۱، ص ۱۳۰ و ابن فهد، ۱۴۱۱، ج ۲: ۵۵۳ و محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۵)<sup>۸</sup>

گرچه تعریف دوم از بسیاری از فقها نقل شده است ولی با توجه به این که در تعریف اول به موضوع مضاربه که عبارتست از تجارت می باشد اشاره شده دقیق تر به نظر می رسد کما این که این نکته در تعریف عده ای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است (محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۱۴۲۳، ج ۱: ۶۲۴)<sup>۹</sup> و محقق بحرانی، الحدائق الناضره، ۱۴۰۵، ج ۲۱: ۲۰۵

عقد مضاربه از عقود جایز است که طرفین قرارداد می توانند در هر زمان اقدام به فسخ معامله نمایند. بنابراین چنانچه زمان مشخصی را برای اتمام قرارداد معین نمایند، الزام آور نخواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۲/ ۳۸۱ و فاضل آبی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۲، شهید اول، ۱۴۱۱، ص ۱۳۰، ابن فهد، ۱۴۱۱، ج ۲: ۵۵۳ و محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۶۲۵، محقق بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۱: ۲۰۵) صاحب جواهر این نظریه را اجماعی می داند (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۶: ۳۴۱) البته اشتراط چنین شرطی صحیح می باشد گرچه الزام آور نمی باشد و قبل از الأجل، طرفین قرارداد حق فسخ معامله را خواهند داشت. و اثر آن منع از تصرف عامل بعد از آن در سرمایه سرمایه گذار است (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۶: ۳۴۱)

ظاهراً نظریه خلافی در این مورد تا قبل از صاحب جواهر دیده نمی شود و همان طوری که بیان شد، ایشان این مسأله را اجماعی می داند؛ ولی مرحوم طباطبایی در عروء، گرچه اشتراط «أجل» را الزام آور نمی داند ولی اشتراط عدم فسخ را واجب الوفاء می داند و در مقابل نظریه مشهور که چنین شرطی را خلاف مقتضای عقد و باطل می دانند، ایشان این شرط را خلاف اطلاق عقد دانسته و عموم «المؤمنون عند شروطهم» را مستلزم وفای به آن می داند. البته اگر اشتراط عدم فسخ در ضمن عقد لازم دیگری شرط گردد اشکالی در صحت و لزوم آن نخواهد بود. (السید الیزدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۵۸).

ایجاب و قبول، عین بودن، معلوم و معین بودن سرمایه، طلا و نقره مسکوک بودن آن و تقسیم سود حاصله به نحو کسر مشاع و تجاری بودن موضوع آن و تقسیم سود بین عامل و سرمایه گذار از شرایط اساسی قرارداد مضاربه است (ر.ک. طباطبائی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۴۱)

از میان این شرایط، تقسیم سود حاصله به نحو کسر مشاع از ارکان اصلی عقد مضاربه است بگونه ای که اگر مقدار ثابتی برای عامل یا مالک در نظر گرفته شود، از قرارداد مضاربه خارج شده و تحت عنوان بضاعه «در فرض در نظر مقدار ثابت برای عامل» یا قرض ربوی «در صورت در نظر گرفتن مقدار ثابت برای مالک و تحقق قصد آن» در می آورد (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۴۱) این اصل که تحت عنوان مشارکت در سود و زیان مطرح می شود مبنی بر قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» (سید بحر العلوم، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷۸ و سید یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۶) و امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۳۶) می باشد. که این قاعده به عنوان ملاک اصلی در عقود مشارکتی از جمله مضاربه می باشد.

شرط دیگر، اشتراط کسب سود از طریق عملیات تجاری است که ظاهراً در قرارداد تکافل این شرط رعایت می‌شود اما به نظر می‌رسد تعمیم مورد قرارداد به غیر از موارد تجاری از چند راه امکان‌پذیر باشد:

**راه اول:** استناد به اقوال فقهای که قائل به توسعه قلمرو عقد مضاربه به همه بخش‌های اقتصادی می‌باشند. (موسویان ۱۳۸۶، ص ۴۴۴) بنابراین این نظریه، در مضاربه شرط نیست که سرمایه‌گذاری برای امور تجاری باشد بلکه سرمایه‌گذاری می‌تواند در امور تولید «صنعتی، کشاورزی، دامداری و...» باشد (مکارم شیرازی به نقل از بنی‌هاشمی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲ / ۳۰۲) بنابراین نظریه تعمیم مورد مضاربه به همه نوع فعالیت‌هایی که سودآوری دارد جایز خواهد بود و متعاقدين در سود حاصله در فعالیت‌های تجاری، تولیدی و... شریک خواهند بود.

**راه دوم:** این راه که تفاوت ماهوی با راه اول ندارد؛ انعقاد قرارداد از طریق عقد شرکت است. مشارکت می‌تواند در فعالیت‌های تجاری باشد که نوع خاصی از مشارکت است و تحت عنوان مضاربه قرار می‌گیرد یا در فعالیت‌های تولیدی باشد. در حالت اول متعاقدين در سود حاصله شریک خواهند بود و در حالت دوم در محصول نهایی. مصداق حالت دوم در صدر اسلام در زمان حضور معصومین علیهم‌السلام، قرارداد مزارعه و مساقات بوده است و در حال حاضر دایره فعالیت‌های تولیدی به امور صنعتی و پروژه‌های ساختمانی و... گسترش یافته است. ولی به نظر می‌رسد ضابطه اصلی در شرکت‌های تولیدی همان مشارکت در تولید نهایی بر مبنای توافق اولیه است.

**راه حل سوم:** راه حل سوم انعقاد قرارداد از طریق عقد وکالت است به گونه‌ای که سازمان تکافل اختیار انعقاد قرارداد از هر طریقی که می‌تواند سودآوری داده باشد را دارا باشد. سازمان مزبور بر این اساس می‌تواند خود سرمایه موجود را به کار برد و یا اینکه با انعقاد قراردادهای مشارکتی به افزایش سرمایه خود مبادرت ورزد.

در میان شرایط مضاربه، آنچه در کتب مشاهده می‌شود درهم و دینار بودن (طلا و نقره مسکوک) سرمایه در مضاربه است که به نظر می‌رسد با لحاظ این شرط موضوع مضاربه در شرایط فعلی که پول‌های اعتباری جایگزین طلا و نقره مسکوک شده‌اند منتفی باشد. صاحب عروه مستند این قول را تنها اجماع ذکر می‌کند و این دلیل را قابل تأمل می‌داند؛ زیرا عموماً ادله، انعقاد مضاربه با مطلق سرمایه نقدی را شامل می‌شود گرچه ایشان احتیاط را مقتضی عمل به نظریه اجماعی می‌داند (سید یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۱۴۸).

این نظریه توسط متأخرین مردود شده است. به نظر می‌رسد، آنچه که مد نظر قانونگذار در جهت تعیین درهم و دینار به عنوان موضوع مضاربه بوده است، نقد رایج بوه که در شرایط زمانی ائمه  $\text{v}$  مصداق آن درهم و دینار بوده است. تأکید بر درهم و دینار بودن سرمایه در مضاربه، در مقابل دین بودن آن و خرید و فروش کالای خالص می‌باشد. یعنی سرمایه در مضاربه نمی‌تواند دین باشد. و خرید و فروش کالای خاص نیز از موضوع مضاربه خارج می‌باشد و تحت عنوان جعاله یا اجاره یا وکالت می‌تواند مطرح باشد. یعنی فروشنده در این صورت، اجرت یا حق الوکاله خود را که مقدار ثابتی است، دریافت می‌دارد.

**هبه**

این قرارداد مشتمل بر عقد هبه نیز می‌باشد. در قالب قرارداد هبه تملیک مجانی که با قصد قربت همراه نیست، تحقق می‌یابد (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۸۳) برخی از در تعریف خود تعبیر تملیک منجز را به کار برده‌اند که از



تملیک معلق بر مرگ که وصیت نامیده می‌شود، تمییز داده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۵) قبض مورد هبه از شرایط صحت آن از نظر همه عقلاء و فقهاء می‌باشد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۲۶۰) سید یزدی (ره) با بیان اجماعی بودن این نظریه از دیدگاه علامه حلی در «تذکره» و «ایضاح»، شرطیت قبض را نظریه مشهور می‌داند و نظریه غیر مشهور را تأثیر قبض در لزوم عقد می‌داند. (طباطبائی یزدی، بی تا، ج ۱: ۱۶۳) هبه از عقود جایز است. مگر این که مورد هبه مستهلک شده و یا موهوب له از «ذی الرحم» باشد و یا به قصد قربت همراه باشد. صاحب جواهر با توجه به کثرت موارد استثناء این نظریه را که اصل را در این عقد، لزوم بدانیم و موارد جواز را استثناء نماییم، اولی می‌داند. از نظر صاحب عروه این نظریه قابل خدشه می‌باشد. (ر.ک: طباطبائی یزدی، بی تا، ج ۱: ۱۷۰)

## قرض

قرض را هر مالی دانسته اند که در نتیجه قراردادی به فرد دیگری داده می‌شود و در عوض، مثل آن به ذمه مقترض می‌آید. (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ۲۷۲) به بیان دیگر قرض تملیک مال به دیگری به شرط ضمان است؛ بدین صورت که قرض کننده متعهد می‌شود که خود آن مال یا مثل و یا قیمت آن را بپردازد و به کسی که مال خویش را تملیک دیگری می‌کند «مقرض» و به کسی که آن را می‌گیرد «مقترض» یا «مستقرض» گویند. (امام خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۶۵۲) قرض معروفی است که شارع آن را جهت بر آوردن نیاز محتاجین تشریح نموده است و مقترض موظف است عوض آن را که غالباً در غیر مجلس عقد، اتفاق می‌افتد رد نماید. امام صادق (ع) به این قرارداد نسبت معروف داده اند. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۱۸)

مسئله حرمت قرض و تحقق ربا در صورت شرط زیاده در ضمن عقد قرض و عدم حرمت اخذ زیاده در صورت عدم اشتراط، مورد تأکید فقها بر اساس روایات وارده در این زمینه (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸: صص ۳۵۳-۳۵۹) قرار گرفته است. شیخ طوسی می‌فرماید: می‌توان از دیگری قرض گرفت و بهتر از آن را به او بدون شرط برگرداند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۷۴) برخی از اهل تسنن بین این که پرداخت زیاده جزو عرف و عادت باشد یا نباشد تفصیل داده اند و حالت اول را بدون اشکال می‌دانند. ولی مرحوم شیخ طوسی و اکثر شافعی تفصیلی بین این دو حالت قائل نشده اند و هر دو را حرام می‌دانند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۷۴) علامه حلی در تحریر می‌فرماید: در صورت قرض دادن، اعاده مثل واجب است و اگر در قرض شرط زیاده شود حرام است چه زیاده عینی باشد و یا از جهت اوصاف بهتر باشد. و اگر بدون اشتراط بازگرداندن قرض با افزایش کمی یا کیفی همراه باشد اشکالی ندارد. چه عرف مقتضی بازپرداخت زیاده باشد و یا نباشد. به هر حال این که در عرف بازپرداخت قرض با زیاده همراه باشد به معنای اشتراط آن ضمن عقد قرض نیست و اشکالی ندارد. (علامه حلی، بی تا، ج ۱: ۲۰۰)

صاحب حدائق می‌فرماید: در بین فقهای امامیه اختلافی در تحریم اشتراط نفع در قرض نیست. بلکه بعضی از محققین متأخر، اجماع مسلمین را بر آن دانسته اند. (شیخ یوسف بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰: ۱۱۱) و بالاخره شهید صدر حرمت قرض ربوی را از ضروریات شرع اسلام میدانند. (شهید صدر، ۱۴۰۲ق: ۵۷۶)

## تطبيق

**تکافل خانواده:** در تکافل خانواده، تکافل‌شوندگان سرمایه‌ای در اختیار شرکت تکافل قرار می‌دهند و متصدیان تکافل نیز این سرمایه را به نسبت خاصی در حساب PA یا PSA برای اهداف شرکت تکافل قرار می‌دهد. متصدیان با این سرمایه کار کرده و به نسبت تعیین شده، سود حاصل را بین خود تقسیم می‌کنند. البته اگر متصدیان تکافل خود نیز سرمایه‌ای را برای فعالیت جاری فراهم نمایند نوع مشارکت، شرکت عنان خواهد بود و از عنوان مضاربه که سرمایه تنها از طریق سرمایه‌گذار می‌باشد، خارج خواهد شد. که به نظر می‌رسد در ماهیت عمل تفاوتی وجود نداشته باشد. زیرا در هر حال، سود حاصله بر مبنای توافق انجام شده به صورت کسر مشاع خواهد بود. و چون سود ثابتی برای یکی از طرفین در نظر گرفته نمی‌شود، با مبنای شرعی، سازگاری دارد. و توسعه فعالیت‌های شرکت به هر نوع فعالیت سود آور نیز بر اساس مبنای که در بخش قبلی توضیح داده شد، امکان پذیر می‌باشد.

بخش دیگرکار، تخصیصی از سود و احیاناً سرمایه موجود در PSA به کسانی است که در نتیجه وقوع حادثه‌ای دچار خسارت شده و شرکت تکافل پرداخت آن را به عهده گرفته است برای تخصیص این مال به خسارت دیدگان، تکافل‌شوندگان که مالک دارائی موجود در صندوق تبرع (PSA) می‌باشند؛ به متصدیان تکافل، وکالت می‌دهند که بخشی از سرمایه و سود آن‌ها را به افراد نیازمند هبه نماید که این عمل نیز با توجه به وجود شرایط هبه با مشکل شرعی مواجه نخواهد بود. در پایان سال نیز پس از پرداخت ادعاها سرمایه باقی مانده با توجه به اینکه متعلق به افراد است به تکافل‌شوندگان پرداخت خواهد شد. البته در صورت حصول کسری، از موجودی خسارت دیده در صندوق PA از سرمایه و سودی که در جریان فعالیت‌های اقتصادی حاصل شده است برداشت خواهد شد. و در صورت نیاز بیشتر از طرف شرکت تکافل، قرض الحسنه به این افراد پرداخت خواهد شد.

**تکافل عمومی:** در تکافل عمومی تخصیص سرمایه به شرکت تکافل از طریق عقد هبه صورت می‌گیرد. شرکت با این وجوه کار نموده و سود حاصله نیز به صندوق برگردانده می‌شود و چون شرکت تکافل، خود عامل تجارت می‌باشد سهمی از سود را به بر مبنای توافق انجام شده برداشت خواهد نمود. بنابراین عمده کار شرکت بر اساس مضاربه یا شرکت و عقد هبه می‌باشد.

گرچه انسان با قرارداد هبه چنانچه در بخش قبلی اشاره شد؛ مال را از مالکیت خود خارج و به صندوق تکافل هبه می‌کند و در جریان عقد هبه رابطه واهب با مال موهوب له قطع می‌شود ولی با توجه به اینکه پول هبه شده، به صندوق تکافل که یک شخصیت حقوقی است، هبه می‌شود؛ موجودی متعلق به همه افرادی است که عضو صندوق می‌باشند و چون هبه کننده نیز از جمله آنان است، اموال موجود در صندوق به او نیز تعلق خواهد داشت و در نتیجه در سود سرمایه گذاری شریک خواهد بود. و با توجه به این حیثیت شرکت که یک شخصیت حقوقی است با حیثیت افراد به تنهایی، متفاوت است شبهه اتحاد متعاقدين مطرح نخواهد شد. شبیه این مسئله، وقف بر جهت در فقه امامیه می‌باشد. که اگر واقف نیز از جهت مورد وقف، جزو موقوف علیهم باشد از نظر مشهور فقهای امامیه بدون اشکال می‌باشد. شهید ثانی(ره) در بحث از صحت وقف بر کسانی که واقف در حال وقف جزو موقوف علیهم می‌باشد یا بعداً امکان این که جزو آن‌ها شود می‌گوید:

در این حالت در واقع وقف بر جهت می باشد زیرا واقف برای مثال در وقف بر فقراء و مساکین، جهت فقر و مسکنت را منظور می دارد و قصد او از چنین وقفی منتفع شدن کسانی است که متصف به این صفت می باشند. و شخص معینی مد نظر او نیست. و در صحت مشارکت بین این که واقف در حال وقف جزو متصفین به جهت وقف باشد یا این که بعداً جزو آن دسته شود وجود ندارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵ : ۳۶۴)

صاحب ریاض نیز با پذیرش همین قول، این نظریه را قول مشهور بین فقهای امامیه می داند و به نقل از شیخ طوسی در مبسوط این قول را اجماعی می داند. (السید علی الطباطبائی، ۱۴۱۹، ج ۹ : ۳۵۳)

در صورت عضویت فرد جدید، چنانچه مقررات شرکت، شراکت فرد جدید در اموال شرکت باشد با قراردادی که فرد با شرکت می بندد او هم در اموال شرکت، شریک خواهد بود.

البته اگر آنچه در تکافل خانواده مطرح شده در تکافل عمومی نیز جریان یابد مشکلی نخواهد داشت؛ یعنی افراد از طریق قرارداد مضاربه سرمایه را در اختیار شرکت قرار دهند و سپس متصدیان شرکت وکیل از طرف اعضا باشد که بتواند سرمایه و سود شرکت را در کارهای مورد نظر هزینه نماید.

تفاوت تکافل عمومی و خانواده در تخصیص منابع است که در تکافل خانواده از طریق مضاربه و در تکافل عمومی از طریق هبه صورت می گیرد. و بعداً موهوب له که به همه اعضای شرکت تکافل تعلق دارد در فعالیت های سودآور مورد استفاده قرار می گیرد و سود حاصله بین متصدیان تکافل و تکافل شونندگان تقسیم می شود.

عقد دیگری که در ضمن قرارداد تکافل منعقد می گردد، عقد قرض می باشد که ظاهراً توسط شرکت تکافل به افرادی که سود حاصل از مضاربه و کمک های صندوق تبرع، نتوانسته است نیازهای آنها را برآورده کند، پرداخت می شود، در این قرارداد نیز باید علاوه بر شرایط عمومی، شرایط خاص قرض، خصوصاً مسأله ربا مد نظر قرار گیرد و شرکت تکافل که ظاهراً از بودجه خود که ناشی از سهم المشارکه قرارداد مضاربه، مبادرت به پرداخت قرض الحسنه می نماید نباید به هیچ وجه وجهی مازاد بر آنچه به مقترض می دهد، از او دریافت نماید.

عقود مضاربه، هبه که عقود اصلی تکافل می باشند جزو عقود جائز می باشند، ولی همانگونه در بخش فقهی آوردیم بنا بر نظریه عده ای اشتراط عدم فسخ تا زمان معینی الزام آور خواهد بود. البته با بررسی انجام شده در قراردادی که بین متصدیان تکافل با تکافل شونندگان منعقد می گردد، حق فسخ قرارداد وجود دارد و تکافل شونندگان در صورت تمایل می توانند، به همکاری خود با سازمان تکافل پایان دهند.

## ۷. نتیجه‌گیری

سازمان تکافل با همان اهداف شرکت بیمه که مقصود اصلی آن پوشش خسارت احتمالی در زندگی است، تشکیل شده است. برای رسیدن به این هدف از عقود معین از جمله مضاربه، هبه، قرض و وکالت بهره برده شده است. بنابراین گرچه کلیت تکافل با توجه به مقاصد خاصی که دارد، در چارچوب یکی از عقود معین به تنهایی قرار نمی‌گیرد، ولی برای رسیدن به هدف تأمین، از مجموعه ای از این عقود بهره‌برداری شده است. بنابراین متعاقدين در این قرارداد، باید شرایط عمومی قراردادها را دارا بوده و قرارداد از شرایط عقود معین مورد استفاده در آن، برخوردار باشند. با بررسی که صورت گرفته به نظر می‌رسد این سازمان از جهت مسائل فقهی با مشکلی مواجه نبوده و با توجه به اینکه مازاد بر ادعا و هزینه‌ها به افراد و تکافل‌شوندگان تعلق دارد از بیمه‌های مرسوم به عدالت نزدیکتر باشد. البته طراحی و ایجاد این نوع تشکیلات در کنار بیمه مرسوم و در نهایت جایگزین نمودن آن بجای شرکت‌های بیمه نیازمند اطلاعات بیشتر از این شرکت‌ها و تحقیق فقهی و تخصصی بیشتری می‌باشد.

## فهرست منابع

۱. ابن حمزه الطوسی، (۱۴۰۸ق)، الوسیله، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی
۲. ابن فهد الحلّی (۱۴۱۱ق) المذهب البارع، قم، مؤسسه النشر الإسلامی
۳. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق) الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۴. بنی هاشمی خمینی (۱۴۲۴ق) سید محمد حسین، توضیح المسائل، دفتر انتشارات اسلامی
۵. چودری، محمدصادق (۱۳۸۷) بیمه اسلامی (تکافل) مفاهیم و کاربرد، ترجمه، حبیب میرزائی، فصلنامه صنعت بیمه، سال چهاردهم، نشریه بیمه مرکزی ایران.
۶. حسینی مراغی (۱۴۱۸ق) العناوین الفقهیة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین
۷. حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا) تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، بی جا
۸. خمینی، امام روح الله (۱۴۰۹ق) تحریر الوسیله، جلد ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان
۹. خمینی، امام روح الله (۱۴۲۱ق) کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۰. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق) مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، دفتر آیه الله سبزواری
۱۱. سید بحر العلوم (۱۳۶۲) بلغة الفقیة، تهران، مکتبه الصادق
۱۲. شهید اول (۱۴۱۱ق) اللمعة الدمشقیة، قم، منشورات دار الفکر
۱۳. شهید اول (۱۴۱۷ق) محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعیة فی الفقه الامامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۴. شهید ثانی (۱۴۱۴ق) مسالک الأفهام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة
۱۵. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۰ق) العروة الوثقی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی
۱۶. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۸) حاشیه المکاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. طباطبائی، سید علی (۱۴۱۹ق) ریاض المسائل، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین
۱۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق) الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۹. عسگری، محمد مهدی، اسمعیلی گیوی، حمیدرضا؛ (۱۳۸۷) تهران، صنعت تکافل: ویژگیها، فرصتها و چالشهای پیش رو، نخستین همایش مالی اسلامی
۲۰. عسگری، محمد مهدی، اسمعیلی گیوی، حمیدرضا؛ (۱۳۸۸): "تحلیل نظری مقایسه‌ای ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافلی اسلام و بیمه‌های متعارف"، اقتصاد اسلامی، شماره ۳۲.
۲۱. فاضل الآبی (۱۴۱۰ق) کشف الرموز، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین
۲۲. قاضی ابن البراج (۱۴۰۶ق) المذهب، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین
۲۳. محقق بحرانی الحدائق الناضرة (۱۳۶۳) قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین
۲۴. محقق حلّی (۱۴۰۳) شرائع الإسلام، قم، انتشارات استقلال.
۲۵. محقق حلّی (۱۴۱۰ق) المختصر النافع، تهران، قسم الدراسات الإسلامیة فی مؤسسه البعثة
۲۶. محقق سبزواری (۱۴۲۳ق) کفایة الأحكام، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین

۲۷. محمدی مهر، محمد حسن (۱۳۸۵)؛ " بررسی تطبیقی نظام بیمه و تامین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام"، پایان نامه، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

۲۸. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶) ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۹. میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۰) مجموعه مقالات دومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی.

۳۰. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۹۴ق) جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الإسلامیة

31. Akhtar vahid, Potential of Takaful in Pakistan: Operational and Transformational Paradigm, Dissertation of P.h.d, Pakistan, 2008.

32. Atiquzzafar Khan; TAKAFUL: Objectives and Methodology; Lecture Prepared; International Islamic University, Islamabad, Pakistan;2005.

33. Billah, ma'sum; 2003; Islamic insurance (Takaful); Ilmieh publisher; Kuala lampur, Malaysia.

34. Jafar, Sohail (2007). Islamic Insurance, Trends Opportunities & The Future of Takaful. London. Euromoney Institution Investor PLC.

35. Khanzada Shoab; Life Insurance, Workshop, 14 September, 2006, Karachi.

36. Lewis, M. Kabir Hassan Abdul Rahim Abdul Wahab, Mervyn K.; Islamic Takaful: Business Models, Shari'a Concerns and Proposed Solutions; Thunderbird international Business Review.n.3; 2007.

37. Obeidollah, Mohammed; 2005, rating of Islamic Financial Institutions: Some methodological Suggestions; Islamic Economic research Center, King Adul Aziz University, Jaddah; Soudia Arabia.

38. salahuddin Ahmad; Islamic Banking, Finance & Insurance\_A Global Overvie;Gombak, Kualampor ; 2006

39. Tarmidzi, Mohd, Introduction to Takaful, A Presentation of MII Basic Course, Iranian Insurance Research & Training Center, Tehran, 2008.

<sup>1</sup> Takaful industry

<sup>2</sup> Direct insurance companies

<sup>3</sup> Conventional insurance companies

<sup>4</sup> brokers

<sup>5</sup> Participants Account

<sup>6</sup> Participants' Special Account

<sup>7</sup> Unearned Premium Reserve

<sup>۸</sup> هی ان یدفع الانسان الى غيره مالا ليعمل فيه بحصة من ربحه

<sup>۹</sup> هی عقد شرع لتجارة الانسان بمال غيره بحصة من الربح